

واکاوی نقش سیستم‌های مغزی فعال-ساز-بازداری رفتار و تله زندگی پذیرش جویی-جلب توجه در پیش‌بینی گرایش زنان متاهل دارای تحصیلات دانشگاهی به روابط موازی زناشویی

فاطمه صفر علیخانی^۱، عاطفه تاجیک رستمی^۲، کارمن یعقوبی^۳، نوشین نوری^۴

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر، واکاوی نقش سیستم‌های مغزی فعال-ساز-بازداری رفتار و تله زندگی پذیرش جویی-جلب توجه در پیش‌بینی گرایش زنان متاهل دارای تحصیلات دانشگاهی به روابط موازی زناشویی بود. پژوهش حاضر، به لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش شناسی در گروه مطالعات توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش، کلیه زنان متاهل مراجعه‌کننده به کلینیک مشاوره و روان‌شناسی شهر کرج در سال ۱۴۰۱ بود. حجم نمونه بر اساس فرمول گرین (۱۹۹۲)، ۱۵۰ نفر بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش را پرسشنامه‌های روابط موازی زناشویی مارک واتلی (۲۰۰۶) سیستم‌های مغزی رفتاری یا بازداری / فعال‌سازی رفتاری کارور و وایت (۱۹۹۴) و تله زندگی پذیرش جویی-جلب توجه یانگ و ویشار (۱۹۹۳) تشکیل داده بودند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون رگرسیون چندگانه تک عاملی به روش همزمان در نرم افزار Spss نسخه ۲۶ استفاده شد. ضرایب استاندارد (β) نشان دادند که متغیرهای سیستم‌های مغزی فعال-ساز-بازداری رفتار و تله زندگی پذیرش جویی-جلب توانایی پیش‌بینی و توضیح گرایش به روابط موازی زناشویی را در زنان مراجعه‌کننده به کلینیک مشاوره و روان‌شناسی دارند ($\beta=0/199$ ، $\beta=0/371$ ، $P<0/01$). یافته‌های بدست آمده در این پژوهش بر اهمیت شناخت روابط موازی زناشویی و تحکیم روابط صمیمانه در خانواده و عمق بخشی به روابط در زوجین هم در بعد عاطفی و هم در بعد هیجانی تأکید دارد. **واژه‌گان کلیدی:** تله زندگی پذیرش جویی-جلب توجه؛ سیستم‌های مغزی فعال-ساز-بازداری رفتار؛ گرایش به روابط موازی زناشویی.

^۱. کارشناسی ارشد روانشناسی ورزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

f.safaralikhani@gmail.com

^۲. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران غرب، تهران، ایران.

^۳. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار، سمنان، ایران.

^۴. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمینی شهر، اصفهان، ایران.

مقدمه

با وجود بهترین تلاش‌ها برای پیشگیری از آسیب‌دیدگی و نیز افزایش کیفیت بسیاری از ورزش‌ها، آسیب‌دیدگی‌ها هرگز حذف نخواهند شد. اگر به آنچه که به تدریج در سال‌های اخیر روی داده است مروری داشته باشیم، متوجه تغییرات اجتماعی در حوزه‌های مختلف از جمله روابط زوجین خواهیم شد. تغییراتی که انجام پژوهش‌هایی از این دست را بیش از پیش ضروری می‌سازد. هرچند، آمار رسمی در مورد میزان خیانت زناشویی^۱، در ایران منتشر نشده است اما همان آمارهای غیر رسمی دادگاه‌های خانواده و پژوهش‌های مختلف، خبر از گسترش وقوع روابط موازی نسبت به سال‌های گذشته در جامعه ایرانی می‌دهند (قلی‌پور فیروزجایی و همکاران، ۱۴۰۱). اکنون بنیان‌های انسجام بخش در خانواده ایرانی، نسبت به گذشته، با مشکلات پیچیده‌تری روبرو شده که یکی از پیامدهای آن در قالب گسترش خیانت و طلاق، نمایان است (دهقانی و نیک‌نژادی، ۱۴۰۱).

مشکلات، معضلات و خطراتی که خانواده امروز (به عنوان کوچک‌ترین و با اهمیت‌ترین واحد اجتماعی جامعه)، با آن روبه‌روست، کم سابقه بوده است؛ چرا که در گذشته خانواده جایی بود که اعضای جامعه در آن جامعه‌پذیر می‌شدند (خلیلی و همکاران، ۱۴۰۰). در سال‌های گذشته بیش از هر زمان دیگری روان‌شناسان و جامعه‌شناسان با اخبار مربوط به پدیده‌ای تحت عنوان روابط فرازناشویی^۲ دست به‌گریبان بوده‌اند، از این‌روست که تلاش تازه‌ای برای بررسی گستردگی و ابعاد آن در جامعه امروز آغاز شده است (فکور و همکاران، ۲۰۲۴؛ ابوالحسنی و همکاران، ۲۰۲۳؛ فولادیان و همکاران، ۱۴۰۰). زنان متأهل، غالباً زمانی که از لحاظ عاطفی، از رابطه زناشویی ناراضی باشند، وارد روابط موازی زناشویی می‌شوند (شیروانی و همکاران، ۱۳۹۹). همچنین می‌بایست اشاره داشت که عوامل و مولفه‌هایی که سبب می‌گردند افراد حتی با داشتن تحصیلات دانشگاهی به چنین روابطی گرایش پیدا کنند؛ بسیار می‌باشد اما محوریت تاکید در پژوهش حاضر، بر دو متغیر سیستم‌های مغزی فعال‌ساز-بازداری رفتار

¹ Marital Infidelity

² Extramarital Affairs

(BIS/BAS)^۱ و تله زندگی پذیرش جویی-جلب توجه^۲ که از نقش برجسته‌تری برخوردارند، متمرکز است.

سیستم‌های مغزی فعال‌ساز-بازداری رفتار به مجموعه‌های جداگانه‌ای از رویدادهای تقویت‌کننده^۳ با انواع خاصی از رفتار پاسخ می‌دهند، و بوسیله مجموعه جداگانه‌ای از ساختارهای مغزی اطلاعات خاصی را پردازش می‌کنند (لی^۴ و همکاران، ۲۰۲۳). بنا بر نظریه حساسیت به تقویت‌گری^۵ (۱۹۸۱)، دو سیستم اصلی در تنظیم رفتار آدمی موثر است. یکی از این سیستم‌ها، سیستم بازداری رفتاری و سیستم دیگر، سیستم فعال‌سازی رفتاری است (اسپینوزا^۶ و همکاران، ۲۰۲۴). سیستم بازداری رفتاری در پاسخ به نشانه‌های تنبیه، نشانه‌های ناکام‌کننده (فقدان پاداش) و بروز تعارض، حساس بوده و برون‌داد این سیستم، برانگیختگی^۷، اجتناب منفعلانه^۸، اضطراب و بازداری است. فعالیت این سیستم موجب تجربه احساساتی همچون ترس، ناکامی و غم می‌شود. فعالیت سیستم فعال‌ساز رفتاری موجب حرکت به سوی هدف، پاسخدهی نسبت به محرک‌های پاداش‌دهنده و فرار از تنبیه می‌شود که تجربه عواطف مثبتی همچون امیدواری، شادمانی و سرخوشی را به دنبال دارد (جنسن^۹ و همکاران، ۲۰۱۶). زوجینی که سیستم فعال‌ساز آنها داری حساسیت بالاست در مقایسه با زوجینی که سیستم بازداری رفتار در آنها بالاست، بیشتر درگیر مشکلات زناشویی چون دزدگی و خیانت بودند (اکبری و همکاران، ۲۰۲۳).

تله زندگی پذیرش جویی-جلب توجه^{۱۰}، دیگر مولفه پژوهش حاضر می‌باشد که گمان می‌شود تاثیر قابل توجهی در گرایش افراد به چنین روابطی داشته باشد. منظور از تله‌های زندگی، تمام

¹ The Behavioral Inhibition System/Behavioral Activation System (BIS/BAS)

² The life trap of seeking acceptance and attention

³ Reinforcement

⁴ Li

⁵ Gray's Reinforcement Sensitivity Theory

⁶ Espinoza

⁷ Arousal

⁸ Passive Avoidance

⁹ Jensen

¹⁰ Acceptance-Commitment Traps, And Attentional Capture

روش‌هایی هستند که باعث باز آفرینی شرایط دوران کودکی انسان می‌شوند. تله زندگی اصطلاحی است که جفری یانگ^۱ و ژانت کلووسکو^۲ (۱۹۹۳) برای توصیف الگوهای دیرپای رفتاری استفاده کردند. آنها در تعریف تخصصی این سازه بیان می‌دارند که تله‌های زندگی باورهای عمیق و تزلزل ناپذیری هستند که در دوران کودکی درباره خود، دیگران و جهان اطراف در ذهن‌مان شکل گرفته‌اند (یانگ و کلووسکو، ۱۹۹۳؛ ترجمه حمیدپور و همکاران، ۱۴۰۱). این تله‌ها (طرحواره‌ها)^۳ نقش تعیین کننده‌ای در شکل‌گیری احساس اشخاص نسبت به خویشتن دارند. رها کردن این طرحواره‌ها مستلزم چشم پوشی از امنیتی است که در پناه این طرحواره‌ها بدست آمده است. بنابراین این باورها، علیرغم آسیبی که به فرد می‌زند تداوم خواهند داشت زیرا در پناه آنها وی احساس امنیت می‌کند و نیز به او قدرت پیش‌بینی پذیری و اطمینان آفرینی را می‌دهند (شالبافان و جواهری، ۱۴۰۰). از نگاه یانگ، این تله‌ها را می‌توان به امنیت داشتن فردی ترسو در خانه‌ای خالی از سکنه تشبیه کرد. به همین دلیل شناخت درمانگران اعتقاد دارند که تغییر این باورها، کاری سخت و بس طاقت فرساست (یانگ و کلووسکو، ۱۹۹۳؛ ترجمه حمیدپور و همکاران، ۱۴۰۱).

در پژوهش حاضر از بین انواع مختلف تله‌های زندگی، تله نیاز به دیده شدن مورد بررسی قرار گرفت. افراد گرفتار در تله زندگی پذیرش جویی-جلب توجه، همواره به دنبال گرفتن تایید دیگرانند و تمایل دارند که از طریق شهرت، زیبایی و مواردی از این دست، توجه اطرافیانشان را بخود جلب نمایند. هرچقدر تعداد تاییدها و تمجیدهای اطرافیانشان بیشتر باشد، احساس رضایت و خشنودی بیشتری نسبت به زندگی و خودشان دارند. مطالعات بالینی نیز تایید می‌کنند که افراد گرفتار در تله زندگی نیاز به دیده شدن، دستیابی به تایید یا توجه دیگران را سرلوحه زندگی خود قرار می‌دهند. احساس ارزشمندی آنها بیشتر به واکنش دیگران بستگی دارد تا واکنش‌های خودشان (گل پرور و همکاران، ۱۳۹۸). این موضوع تا به آنجا مهم بوده است که محققان دیگری نیز به دنبال ردپای این الگوی رفتاری در زندگی زوجین بوده‌اند. برای

¹ Jeffrey Young

² Janet Klosko

³ Schema

مثال، هاشمی‌نژاد (۱۳۹۹) نشان داد که بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و مولفه های آن؛ با استعداد خیانت زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد طرحواره‌های ناسازگار اولیه و صفات تاریک شخصیت^۱ ۴۱/۲ درصد توانایی پیش‌بینی استعداد خیانت زناشویی را دارد. خیری پور و همکاران (۲۰۲۴) نیز در مطالعات خود دریافتند که بین سیستم‌های مغزی رفتاری و هیجان‌های منفی افراد خیانت دیده همبستگی معناداری وجود دارد.

بدین ترتیب می‌توان دریافت که پدیده روابط فرزندناشویی از چنان اهمیت برخوردار بوده است که نظر بسیاری پژوهشگران را به خود جلب نموده است، در این بین، کمتر مطالعه‌ای را می‌توان سراغ گرفت که با نگاهی جامع‌نگر و با رصد مطالعات پیشین در ایران، تصویر نسبتاً کاملی از کلیت عوامل یافت شده در تحقیقات پیشین در این حوزه را ارائه دهد. این همان رسالتی است که پژوهش حاضر تلاش نموده است که تا حد ممکن به آن پاسخ‌دهد. در این راستا، مطالعه حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال بوده است که بر طبق مطالعات پیشین در ایران، چه عواملی منجر به شکل‌گیری روابط فرازناشویی در خانواده های ایرانی شده است؟ و این عوامل را تحت چه مقوله‌ها و مضامینی می‌توان طبقه‌بندی نمود؟ گستره این سوالات و مطالعات شکل گرفته پژوهشگر را به دو مولفه ساختاری رسانید. نتیجتاً می‌توان چنین گفت که یافته‌های این مطالعه در کنار سایر مطالعات می‌تواند تصویر بزرگتر و واضح‌تری از آنچه در حال رخ دادن است را ترسیم نماید. نظر به آنچه گفته شد می‌توان گفت که سوال اصلی پژوهش حاضر به قرار زیر بود: آیا سیستم‌های مغزی فعال‌ساز-بازداری رفتار و تله زندگی پذیرش جویی-جلب توجه می‌توانند گرایش زنان متأهل دارای تحصیلات دانشگاهی به روابط موازی زناشویی را پیش‌بینی کنند؟

¹ Dark personality traits

روش

پژوهش حاضر از منظر هدف در زمره پژوهش‌های کاربردی و از نقطه نظر روش‌شناسی توصیفی-همبستگی بود. افزون بر این، جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه زنان متأهل مراجعه‌کننده (دارای تحصیلات عالیه در مقاطع مختلف تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) به کلینیک مشاوره و روان‌شناسی مروارید واقع شهر کرج در سال ۱۴۰۱ تشکیل داده بودند. انتخاب نمونه پژوهش حاضر براساس فرمول تعیین حجم نمونه گرین^۱ (۱۹۹۲) (۵۰+۸) انجام شد. در این فرمول، نماد k نشان‌دهنده تعداد متغیرهای پیش‌بین می‌باشد؛ برای مثال اگر دو متغیر پیش‌بین (مستقل) وجود داشته باشد، حداقل حجم نمونه $N=۱۶+۵۰=۶۶$ است (کلاین^۲، ۲۰۱۳). براساس فرمول مذکور؛ حداقل حجم نمونه برای پژوهش حاضر به تعداد ۶۶ نفر بود اما برای تعمیم‌پذیری بهتر حجم نمونه از ۶۶ نفر به ۱۵۰ نفر تغییر داده شد. همچنین روش نمونه‌گیری از نوع در دسترس بود. شایان ذکر است که برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های گرایش به روابط فرازناشویی، سیستم‌های مغزی فعال‌ساز-بازداری رفتار و تله زندگی پذیرش جویی-جلب توجه استفاده شد. داده‌های بدست آمده با استفاده از آزمون رگرسیون چندگانه تک‌عاملی به روش همزمان با استفاده از *SPSS* نسخه ۲۶ تحلیل شدند.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه روابط موازی زناشویی (ATIS^۳، ۲۰۰۸)

این پرسشنامه توسط مارک واتلی^۴ در سال ۲۰۰۶ ساخته شده و دارای ۱۲ عبارت است که هر کدام در طیف هفت‌گانه از بسیار مخالف (با امتیاز یک) تا بسیار موافق (با هفت امتیاز) طبقه‌بندی شده‌اند. چیزی به عنوان پاسخ درست یا غلط در این جملات وجود ندارد و پرسشنامه، فقط خواهان واکنش و نظر صادقانه آزمودنی به جملات است. عبارت‌ها، شامل جملاتی راجع به احساسات منفی و مثبت نسبت به مقوله خیانت است که آزمودنی بنابر

¹ Green Determine Sample Size Formula

² Kline

³ the Attitudes Toward Infidelity Scale (ATIS)

⁴ Whatley

احساس خود به جملات نمره یک تا هفت می‌دهد. امتیازدهی در سوال‌های ۱، ۳، ۴، ۹، ۱۰ و ۱۱ به پاسخ بسیار مخالف امتیاز ۱ و پاسخ بسیار موافق امتیاز ۷ داده می‌شود. اما در سوال‌های ۲، ۵، ۶، ۷، ۸ و ۱۲ نحوه نمره‌گذاری معکوس است، به طوری که به پاسخ بسیار مخالف نمره ۷ و پاسخ بسیار موافق نمره ۱ و پاسخ‌های بین آنها به ترتیب ۶، ۵، ۴، ۳ و ۲ امتیاز داده می‌شود. بالاترین امتیاز ۸۴ است که به معنی پذیرنده خیانت و کمترین امتیاز ۱۲ و به معنی رد کننده خیانت است. امتیاز ۴۸، فرد را بین پذیرندگی و رد کنندگی خیانت قرار می‌دهد. آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۸۴ بدست آمده است. میانگین بدست آمده برای این نمونه مورد بررسی، ۳۹/۱۵ می‌باشد. این مقیاس می‌تواند علاوه بر تحقیقات پیمایشی در تعیین علل و متغیرهای تاثیرگذاری بر خیانت زناشویی و گرایش به خیانت کمک‌کننده باشد (عبدالله زاده، ۱۳۸۹). همچنین کریمی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود به تحلیل عوامل، با استفاده از روش همسانی درونی و همچنین بازآزمایی برای پایایی پرسشنامه پرداختند. برای روایی از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد که یافته‌ها بیانگر همخوانی و ارتباط دقیق بین مولفه‌های این پرسشنامه بود. همسانی درونی گویه‌های پرسشنامه به شیوه آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۹۱ به دست آمد. محاسبه پایایی به شیوه دو نیمه کردن برای کل مقیاس برابر با ۰/۸۱^۲ به دست آمد.

پرسشنامه سیستم‌های مغزی فعال‌ساز-بازداری رفتار (BIS/BAS^۱، ۱۹۹۴)

پرسشنامه سیستم‌های مغزی رفتاری یا بازداری/فعال‌سازی رفتاری توسط کارور^۲ و وایت^۳ (۱۹۹۴) ساخته شد. این پرسشنامه شامل ۲۴ پرسش خود گزارش‌دهی و دو زیرمقیاس سیستم بازداری رفتاری (با سوالات ۲، ۸، ۱۶ با عنوان حساسیت سیستم بازداری رفتاری یا پاسخدهی به تهدید و سوالات ۱۳، ۱۹، ۲۲، ۲۴ با عنوان احساس اضطراب هنگام رویارویی با نشانه‌های تهدید) و زیر مقیاس سیستم فعال‌ساز رفتار (با سوالات ۳، ۹، ۱۲، ۲۱ با عنوان سائق و سوالات

¹ Behavioral Inhibition System/Behavioral Activation System

² Carver, C. S

³ White, T. L

۴، ۷، ۱۴، ۱۸، ۲۳ با عنوان پاسخ‌دهی به پاداش و سوالات ۵، ۱۰، ۱۵ و ۲۰ با عنوان جستجوی سرگرمی) می‌باشد. آیت‌های این ابزار روی یک مقیاس چهار درجه‌ای (از کاملاً مخالف با نمره ۱ تا کاملاً موافق با نمره ۴) توسط آزمودنی رتبه‌بندی می‌شود. باید دقت نمود که گزینه‌های ۱، ۷، ۱۱، ۱۶ در نمره‌گذاری هیچ تاثیری ندارند و صرفاً جهت هماهنگی با سایر آیت‌ها به پرسشنامه اضافه شدند. امتیازات آزمودنی‌ها حداقل ۲۴ و حداکثر ۹۶ خواهد بود. نمره بین ۲۴ تا ۴۰ نشان می‌دهد که حساسیت سیستم کم است. نمره بین ۴۰ تا ۶۰ نماینگر این است که حساسیت سیستم متوسط است. نمره بالاتر از ۶۰ نشان‌دهنده حساسیت سیستم زیاد می‌باشد. کارور و وایت (۱۹۹۴)، ثبات درونی زیر مقیاس *BIS* را ۰/۷۴ و ثبات درونی *BAS* را ۰/۷۱ گزارش کردند. خصوصیات روانسنجی نسخه فارسی این مقیاس در ایران توسط محمدی (۱۳۸۷) در دانشجویان شیرازی مطلوب گزارش شده است. اعتبار به روش بازآزمایی برای مقیاس *BAS* ۰/۶۸ و برای زیر مقیاس *BIS* ۰/۷۱ گزارش کرده‌است (محمدی، ۱۳۸۷). عبدالهی مجارشین (۱۳۸۵) اعتبار این پرسشنامه را به روش بازآزمایی برای مقیاس *BAS*، ۰/۷۸ و برای زیر مقیاس *BIS*، ۰/۸۱ گزارش نموده است.

پرسشنامه تله زندگی پذیرش جویی-جلب توجه (*YSQ-SF*، ۱۹۹۳)

این پرسشنامه بر پایه مشاهدات تجربه شده توسط یانگ و ویشار (۱۹۹۳) ساخته شده است. افزون بر این، پرسشنامه مذکور یکی از ۱۵ مقیاس تله‌های زندگی می‌باشد که برای اندازه‌گیری طرحواره یا تله تاییدجویی و جلب توجه افراد از سایر مقیاس جدا و در قالب یک پرسشنامه تدوین و منتشر شده است. ابزار مذکور خود گزارش‌دهی و دارای ۱۰ سوال می‌باشد که در طیف لیکرت ۶ درجه کاملاً غلط تا کاملاً درست پاسخ داده می‌شود. نمره بالا، احتمال بیشتر وجود یک طرحواره یا تله غیرانطباقی را برای آن فرد نشان می‌دهد. در نمره‌گذاری پرسشنامه، کاملاً موافق نمره ۶، تا حدود زیادی موافق نمره ۵، موافق، نمره ۴، مخالف نمره ۳، تا حدود زیادی مخالف نمره ۲ و کاملاً مخالف نمره ۱ در نظر گرفته شده است. در پژوهش هوچو و

من کی نو (۲۰۰۶) مقدار KMO بدست آمده از تحلیل عاملی اکتشافی $0/79$ بود که نشان‌دهنده کافی بودن نمونه برای تحلیل عوامل است. همچنین میزان بارتلت $6831/71$ بود که از نظر آماری معنی‌دار است ($P < 0/001$). نتایج تحلیل عاملی نشان می‌داد عامل استخراج شده قابل تفسیر می‌باشد که $54/92$ درصد از کل واریانس را تبیین می‌کند. همچنین والر و همکاران (۲۰۰۱) همسانی درونی مقیاس را $0/96$ گزارش دادند. بعلاوه همسانی درونی بالاتر از $0/08$ بود. در مطالعه آنها، پایایی باز آزمایی هم بین $0/5$ تا $0/82$ بدست آمد (والر و همکاران، ۲۰۰۱). صدوقی و همکاران (۱۳۸۷) همسانی درونی این پرسشنامه را $0/94$ گزارش کرده‌اند.

یافته‌ها

برای پاسخگویی به فرضیه پژوهش، از آزمون رگرسیون چندگانه تک عاملی باروش همزمان در نرم افزار $Spss$ نسخه ۲۶ استفاده شد، نتایج آزمون مذکور در جدول زیر آورده شده است:

جدول ۱: خلاصه مدل رگرسیونی پیش‌بینی گرایش به روابط موافق زناشویی^b براساس سیستم‌های مغزی فعال‌ساز-بازداری رفتار و تله زندگی پذیرش جویی-جلب توجه

مدل	R	R ²	R ² (adj)	دوربین واستون	F	سطح معناداری
۱	۰/۴۳۵ ^a	۰/۳۸۹	۰/۳۶۲	۱/۶۲	۸۸/۳۶۸	۰/۰۰۱

a: متغیر پیش‌بین: سیستم‌های مغزی فعال‌ساز-بازداری رفتار و تله زندگی پذیرش جویی-جلب توجه

b: متغیر ملاک: گرایش به روابط موافق زناشویی

همانطور که جدول فوق نشان می‌دهد، مجذور ضریب همبستگی چندگانه (ضریب تعیین) به میزان $0/389$ درصد و با 99 درصد اطمینان، در سطح $0/01$ درصد معنادار شده است که بدان معناست که متغیرهای پیش‌بین به مقدار $38/9$ درصد توانسته‌اند، واریانس و تغییرات متغیر ملاک را تبیین کنند همچنین مقدار آماره F (به میزان، $88/368$ درصد)، در سطح خطای 1 درصد و با اطمینان 99 درصد، رابطه بین متغیرها را معنادار گزارش کرده‌است، به عبارت دیگر

آزمون نشان می‌دهد که مدل رگرسیون با متغیرهای پیش‌بین و ملاک از برازش خوبی برخوردارند و تغییرات تبیین شده توسط مدل، واقعی بوده و ناشی از شانس و یا تصادف نیست. بنابراین متغیرهای پیش‌بین ما از قدرت تبیین مناسب برخوردار بوده و قادر است بخوبی میزان تغییرات واریانس متغیر ملاک را توضیح دهند و نتایج حاصل از مدل رگرسیون قابل اتکا است ($R^2=0.389$ ، $P \leq 0.01$).

جدول ۲: نتایج ضرایب رگرسیونی پیش‌بینی گرایش به روابط موازی زناشویی براساس سیستم‌های مغزی فعال‌ساز-بازداری رفتار و تله زندگی پذیرش جویی-جلب توجه

سطح معناداری	t	ضرایب استاندارد نشده ضرایب استاندارد شده			مدل
		β	خطای میانگین استاندارد	B	
۰/۰۰۳	۳/۴۳۲		۳۴/۹۷۶	۱۲۰/۰۳۶	C (مقدار ثابت)
۰/۰۰۰	۱۲/۷۹۲	۰/۱۹۹	۰/۱۲۰	۱/۵۳۳	سیستم مغزی فعال‌ساز-بازداری رفتار
۰/۰۰۱	۱/۹۸۱	۰/۳۷۱	۰/۴۴۸	۰/۸۸۶	تله زندگی پذیرش جویی-جلب توجه

ضرایب استاندارد (β) نشان می‌دهند که سیستم‌های مغزی فعال‌ساز-بازداری رفتار (به میزان ۱۹/۹ درصد) و تله زندگی پذیرش جویی-جلب توجه (به میزان ۳۷/۱ درصد) با عرض از مبدا ۱۲۰/۰۳۶ قادرند گرایش به روابط موازی زناشویی را در زنان مراجعه‌کننده به کلینیک مشاوره و روان‌شناسی (با ضریب اطمینان ۹۹ درصد و در سطح خطای یک صدم درصد) پیش‌بینی کنند ($\beta=0.199$ ، $\beta=0.371$ ، $P < 0.01$). از این رو، فرض صفر رد و فرضیه پژوهش تایید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

تمامی تلاش‌هایی که در روند انجام یک کار پژوهشی صورت می‌گیرد، در واقع برای دستیابی به نتایج مطلوب و پیشنهادهایی برای پژوهش است. چرا که هدف از انجام پژوهش، یافتن راه‌حل برای چالش‌هایی است که وجود دارد و دغدغه پژوهشگر بوده و باعث انجام پژوهش شده است. لذا از طریق پژوهش‌هایی از این دست می‌توان مشکلات و راه‌حل‌های رفع آنها را پیش‌بینی کرد تا در نهایت کارآیی و نتایج مثبت افزایش یابد. لذا این پژوهش با توجه به حساسیت و اهمیت موضوع، واکاوی نقش سیستم‌های مغزی فعال‌ساز-بازداری رفتار و تله زندگی پذیرش جویی-جلب توجه در پیش‌بینی گرایش زنان متأهل دارای تحصیلات دانشگاهی به روابط موازی زناشویی را مورد بررسی قرار داده بود، که در ادامه به بحث و نتیجه‌گیری آن پرداخته شده است.

نتایج پژوهش حاضر نشان دادند که بین سیستم‌های مغزی فعال‌ساز-بازداری رفتار و گرایش به روابط موازی زناشویی همبستگی مثبت معناداری وجود دارد. در همین راستا، سجادی فر و همکاران (۱۴۰۲) نیز گزارش کردند که سیستم بازداری رفتاری به صورت منفی و سیستم فعال ساز رفتار به صورت مثبت و معنادار عملکرد خانواده را پیش‌بینی می‌کند. علاوه بر این، عرب و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که خیانت زناشویی با سیستم بازداری رفتاری رابطه منفی و معنادار و با سیستم فعالسازی رفتاری رابطه مثبت و معنادار دارد. همچنین، کریم پور وظیفه خورانی و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه خود بدین نتیجه دست یافتند که سیستم بازداری رفتار در زوجین عادی بالاتر از زوجین درگیر خیانت زناشویی بود در حالی که سیستم فعال ساز رفتاری نیز در زوجین درگیر خیانت زناشویی بالاتر از زوجین عادی بود. در واقع، زوجینی که سیستم فعال ساز آن‌ها داری حساسیت بالاست در مقایسه با زوجینی که سیستم بازداری رفتار در آن‌ها بالاست، بیشتر درگیر پدیده خیانت زناشویی بودند. یافته‌های این پژوهش بر اساس نظریه شخصیت گری (۱۹۹۴) قابل تبیین است. از علل اصلی گرایش به روابط موازی زناشویی، داشتن تجارب عاطفی و جنسی جدید است که این عوامل

تحت تاثیر سیستم فعال ساز رفتاری یا سیستم انگیزشی گرایش عمل می‌کند. علت غایی گرایش به روابط موازی زناشویی، تجربه احساس لذت و آزاد شدن دوپامین است و بر اساس نظریه گری، سیستم فعال ساز رفتاری، شامل آن نواحی از مغز است که حساسیت فرد را به پاداش و لذت تحت تاثیر قرار می‌دهد. بر اساس نظریه گری (۱۹۹۴) رها کردن دوپامین در هسته اکومینس ارتباط تنگاتنگی با هیجان بالا دارد. این موضوع می‌تواند تفسیر اغراق آمیزی از لذت باشد که در شکل‌های مرسوم تقویت به دست می‌آید. بنابراین، افراد با حساسیت بال در سیستم فعال سازی رفتاری، مستعد رفتار گرایشی و تجربه مثبت موقعیت‌هایی است که در آن محرک با پاداش همراه باشد. بنابراین زوجینی که سیستم فعال‌ساز آنها دارای حساسیت بالایی است بیشتر، درگیر پدیده گرایش به روابط موازی زناشویی می‌شوند (عرب و همکاران، ۱۴۰۱). در تبیین دیگر این یافته‌ها می‌توان گفت که سیستم بازداری رفتاری در پاسخ به نشانه‌های تنبیه، نشانه‌های ناکام‌کننده، فقدان پاداش و بروز تعارض، حساس بوده و برون داد این سیستم، برانگیختگی، اجتناب منفعل، اضطراب و بازداری است؛ فعالیت این سیستم موجب تجربه احساساتی همچون ترس، ناکامی و غم می‌شود. فعالیت سیستم فعال‌سازی رفتاری اما موجب حرکت به سوی هدف، پاسخدهی نسبت به محرک‌های پاداش‌دهنده و فرار از تنبیه می‌شود و تجربه عواطف مثبتی همچون امیدواری، شادمانی و سرخوشی را به دنبال دارد. جالب‌تر آنکه تا پیش از این تصور می‌شد که سیستم بازداری رفتاری و سیستم فعال‌سازی رفتاری، کارکردی مستقل از یکدیگر دارند. اما مطالعات بعدی نشان دادند که این دو سیستم غالباً همچون سیستم‌های وابسته به یکدیگر عمل کرده و به صورت منسجم، رفتار را تحت تاثیر خود قرار می‌دهند؛ درست بمانند روابط زناشویی که پاداش و تنبیه در آن به‌طور همزمان وجود دارند. وجود رفتار پاداش‌دهنده لزوماً به معنای فقدان رفتار تنبیه‌کننده و حضور رفتار تنبیه‌کننده نیز لزوماً به معنای فقدان پاداش نیست. به بیان دیگر، سیستم پاداش و تنبیه ممکن است براساس برخی موقعیت‌ها مستقل از یکدیگر عمل کنند اما در تحلیل نهایی، رفتار هر فرد، حاصل یکی از این دو سیستم و یا هر دوی آنها می‌باشد. از این رو چنین استنتاج می‌شود که رضایت زناشویی از حل موقعیت‌هایی نشأت می‌گیرد که تهدید و پاداش همزمان حضور دارند؛ یعنی هر دو سیستم فعال‌ساز رفتاری و سیستم بازداری شده جنگ/گریز/انجماد،

همزمان فعال می‌شوند. اما اگر تهدید بر پاداش غالب شود، و سیستم بازداری رفتاری، فعالیت خود را آغاز کند اما سیستم فعال‌ساز رفتاری همچنان خاموش باقی بماند، اجتناب از رابطه شروع خواهد شد و در صورتی که کاری برای مقابله با آن صورت نگیرد، وقوع اجتناب زناشویی، و به طبع آن جدایی و یا گرایش به روابط موازی زناشویی اجتناب ناپذیر خواهد بود.

از سوی دیگر نیز یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که همبستگی مثبت معناداری بین ویژگی‌های تله زندگی پذیرش جویی-جلب توجه و گرایش به روابط موازی زناشویی وجود دارد. در همین راستا، بیک زاده و همکاران (۱۴۰۲) در مطالعه خود بدین نتیجه دست یافتند که طرحواره‌های ناسازگار اولیه از طریق متغیر میانجی انعطاف‌پذیری شناختی با روابط فرازناشویی ارتباط داشت. شریفی و همکاران (۱۴۰۰) نیز گزارش کردند که همبستگی مثبت معنی‌داری بین الگوهای ناسازگار اولیه با نگرش به روابط فرازناشویی وجود دارد. ملک عسگر و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود بدین نتیجه دست یافتند که طرح‌واره ناسازگار اولیه به عنوان یک فاکتور فردی در کنار مؤلفه‌های دیگر در بروز رابطه خارج از ازدواج مؤثر هستند و در میان طرحواره‌های ناسازگار اولیه، پذیرش جویی/جلب توجه یکی از مهمترین طرحواره‌های ناسازگار مرتبط با بروز خیانت زناشویی محسوب می‌شود. هاشمی نژاد (۱۳۹۹) در مطالعه خود بدین نتیجه دست یافت که طرحواره‌های ناسازگار اولیه قادر به پیش‌بینی استعداد خیانت زناشویی می‌باشند. یافته‌های این پژوهش بر اساس نظریه طرحواره یانگ قابل تبیین است. بر اساس نظریه طرحواره یانگ طرحواره‌های ناسازگار موجب سوگیری در تفسیر رویدادها می‌شوند. این سوگیری‌ها در آسیب‌شناسی روانی به صوت سوءتفاهم‌ها، نگرش‌های تحریف شده، فرض‌های نادرست، هدف‌ها و چشم‌داشت‌های غیر واقع‌بینانه در همسران پدید می‌آیند و این سوء برداشت‌ها بر ادراک‌ها و ارزیابی‌های بعدی (زندگی مشترک) تأثیر می‌گذارند زیرا طرحواره‌ها در مسیر زندگی تداوم دارند و بر چگونگی رابطه فرد با خود و دیگران (بویژه شریک زندگی) تأثیر دارند، از آنجا که طرحواره‌های ناسازگار ناکارآمد هستند؛ ناخشنودی در روابط زناشویی را در پی دارند و زمینه را برای جدایی و نیز رفتارهای خیانت‌آمیز فراهم می‌کنند (هاشمی نژاد، ۱۳۹۹). جانسون و موری (۲۰۰۷) اصطلاح،

طبل توخالی را برای افرادی که دچار تله زندگی پذیرش جویی-جلب توجه هستند را بکار برده و بر این باورند که این اصطلاح به خوبی در مورد این شخصیت صدق می‌کند زیرا این افراد با سر و صدای زیاد، محتوای درونی اندکی دارند. آنچه در آنها مشاهده می‌شود، هیجانی بودنشان است و این که می‌خواهند مرکز توجه قرار گیرند. افراد متاهل با تله زندگی پذیرش جویی / جلب همواره به دنبال پذیرش، تایید، دوست داشته شدن و مورد تعریف و تمجید قرار گرفتن می‌باشند. بنابراین، این نیاز افراطی موجب می‌شود که فرد به دنبال ارضا آن در خارج از رابطه زناشویی باشد و موجب گرایش فرد به روابط موازی زناشویی می‌گردد. علاوه بر این، تله زندگی پذیرش جویی / جلب توجه ارتباط قوی با اختلال شخصیت نمایشی و تا حدودی اختلال شخصیت خودشیفته دارد چرا که افراد با اختلالات شخصیت نمایشی و خودشیفته، احساس ارزشمندی خود را در گرو توجه و تعریف افراطی دیگران از آنها می‌دانند. هینز کوهات، اما در نظریه روان‌شناسی خود (در کتاب‌های تحلیل خود (۱۹۷۱) و بازسازی خود (۱۹۷۷) با فراتر گذاشته و تفسیری به مراتب عمیق‌تری را از آنچه در درون این شخصیت از آغاز پدیدآیی به وقوع می‌پیوندد، شرح می‌دهد. کوهات خاطر نشان می‌کند که افرادی که در تله زندگی پذیرش جویی-جلب توجه، تشنه خود والایینی چشمگیر، خودشیفتگی، و خیالات مربوط به موفقیت نامحدود می‌باشد. اما، طبق نظریه او، این ویژگی‌ها، عزت نفسی بسیار شکننده را پنهان می‌کنند. به عقیده کوهات، خود در اوایل زندگی به شکل یک ساختار دو قطبی، با نیاز به تایید شدن و بزرگی و عظمت نارس در یک قطب و بیش آرمانی سازی مشروط دیگران در قطب دیگر، پدید می‌آید. وقتی که پدر و مادر با احترام، صمیمیت و همدلی به کودک پاسخ می‌دهند، حس بهنجار ارزش خویشان را به فرزند هدیه می‌کنند. شکست در کسب عزت نفس سالم زمانی روی می‌دهد که پدر و مادر با تأیید و پذیرش به نمایش‌های کودک در خصوص قابلیت و شایستگی‌اش واکنش نشان نمی‌دهند؛ یعنی به کودک به عنوان ابزاری برای پرورش عزت نفس پدر و مادر بها می‌دهند، نه به خاطر ارزشمندی خود او. بنابراین کودکان مذکور کمی بعدتر؛ در پذیرش کمبودها و معایب‌شان مشکل خواهند داشت. به عقیده کوهات این نقایص در پایه‌ریزی خودپنداشت سالم، باعث پیدایش اختلال شخصیت نمایشی می‌شود. اشخاص دچار این اختلال، در بزرگسالی می‌کوشند

تا از طریق جستجوی پایان ناپذیر عشق و تأیید از جانب دیگران به حس خود ارزشمندی‌شان کمک کنند. در واقع شخصیت نمایشی نتیجه نقص در ساختار «خود» است؛ یعنی «خود» انعکاس نیافته که در جستجوی موضوعی آرمانی است. از این رو، دیگر جای تعجب نیست که چرا نتایج پژوهش حاضر نشان دادند که همبستگی مستقیم معناداری بین ویژگی‌های اختلال شخصیت نمایشی و گرایش به روابط فرازنشویی وجود دارد.

هر پژوهشی، محدودیت‌هایی را با خود به همراه دارد و این پژوهش نیز از آن مستثنی نیست، محدودیت‌هایی از جمله نوع ابزار اندازه‌گیری که محدود به پرسشنامه‌ها شده و از سایر ابزارها استفاده نشده بود و نمونه‌های شرکت‌کننده در پژوهش که صرفاً تعدادی از زنان متأهل مراجعه‌کننده به کلینیک مشاوره و روان‌شناسی بود. نتایج بدست آمده در این پژوهش بر اهمیت شناخت روابط موازی زنشویی و تحکیم روابط صمیمانه در خانواده و عمق‌بخشی به روابط در زوجین هم در بعد عاطفی و هم در بعد هیجانی تاکید دارد. بنابراین لزوم آموزش و مشاوره‌های پیش از ازدواج و پس از آن بیشتر احساس می‌شود.

تشکر و قدردانی

لازم است از همکاری صمیمانه زنان متأهل مراجعه‌کننده (دارای تحصیلات عالی در مقاطع مختلف تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) به کلینیک مشاوره و روان‌شناسی مروراید واقع شهر کرج و مسئولین آن که اجرای این پژوهش را میسر ساختند، قدردانی شود.

پرو. نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- ۱) بیک زاده، خدیجه. امامی پور، سوزان. و باغداساریانس، آیتا. (۱۴۰۲). تدوین مدل روابط فرازناشویی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه و صمیمیت زناشویی با میانجیگری انعطاف‌پذیری شناختی. روان‌پرستاری، ۱۱(۵)، ۲۷-۱۵.
- ۲) خلیلی، رضا. خانجانی، محمد سعید. واحدی، محسن. و بهمنی، بهمن (۱۴۰۰). رابطه بین نگرش به روابط فرا زناشویی با احساس کهنتری، منبع کنترل و عمل به باورهای مذهبی در همسران مردان دارای اعتیاد. سنجش و پژوهش در مشاوره و روان‌شناسی، ۳(۱) ۲۸-۳۷.
- ۳) دهقانی، طاهره؛ نیک نژادی، فرزانه (۱۴۰۱). اثربخشی آموزش گروهی آنلاین تاب‌آوری بر میل به طلاق، بخشش، امیدواری و انعطاف‌پذیری شناختی در زنان دارای تجربه خیانت زناشویی. رویش روان‌شناسی، ۱۱(۱۰)، ۱۴۹-۱۶۰.
- ۴) سجادی فر، سارا؛ رضاخانی، سیمین دخت؛ بهبودی، معصومه (۱۴۰۲). ارائه مدل پیش‌بینی عملکرد خانواده بر اساس سیستم‌های مغزی رفتاری در زنان؛ نقش میانجی‌گر طرحواره‌های ناسازگار اولیه با رویکرد مدل یابی معادلات ساختاری. مطالعات علوم پزشکی، ۳۴(۳)، ۱۳۸-۱۲۸.
- ۵) شالبافان، مریم؛ جواهری، محمدحسین (۱۴۰۰). مقایسه طرح‌واره‌های هیجانی، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تاب‌آوری در زوجین در حال طلاق و زوجین در حال زندگی. فصلنامه پژوهش‌های کاربردی در مشاوره، ۴(۲)، ۹۴-۷۹.
- ۶) شریفی، مهدی؛ واقتی، مهسا؛ حسینیایی، علی. قربانی، علیرضا (۱۴۰۰). پیش‌بینی نگرش به روابط فرازناشویی براساس میزان استفاده از شبکه‌های مجازی اجتماعی، ویژگی‌های شخصیتی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه در زنان. زن و مطالعات خانواده، ۱۴(۵۴)، ۱۱۶-۹۹.

- (۷) شیروانی، زهرا؛ صادقی، زهره؛ نعمتی، علی؛ غلامی، فرود (۱۳۹۹). تأثیر مهارت‌های زندگی بر باورهای ارتباطی غیرمنطقی مردان دارای تجربه رابطه فرازنشویی. پژوهش‌های کاربردی در مشاوره، ۳(۳)، ۸۴-۶۷.
- (۸) صدوقی، زهره؛ آگیلار وفایی، مریم؛ رسول زاده طباطبایی، سید کاظم؛ اصفهانیان، نامیه (۱۳۸۷). تحلیل عاملی نسخه کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ در نمونه غیربالینی ایرانی. روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، ۱۴(۲)، ۲۱۹-۲۱۴.
- (۹) عبدالله زاده، حسن (۱۳۸۹). مقیاس نگرش به خیانت زناشویی مارک واتلی. تهران: موسسه آزمون یار پویا.
- (۱۰) عبداللهی مجارشین، رضا (۱۳۸۵). رابطه سیستم‌های بازداری و فعال‌سازی با سوگیری حافظه ناآشکار در افراد افسرده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تبریز.
- (۱۱) عرب، سارا؛ ناظریه، عاطفه؛ دهقان، افسانه؛ حبیب‌نیا، محمدرضا (۱۴۰۱). پیش‌بینی خیانت‌های زناشویی بر اساس سیستم‌های بازداری و فعال‌سازی رفتاری و الگوهای ارتباطی زوجین. فصلنامه تعالی مشاوره و روان‌درمانی، ۱۱(۴۳)، ۶۵-۵۲.
- (۱۲) فولادیان، مجید؛ برادران کاشانی، زهرا؛ دیاری، مرتضی (۱۴۰۰). تحلیل جامعه‌شناختی فرایندهای بروز رابطه فرازنشویی (مورد مطالعه: زنان و مردان متقاضی طلاق در شهر مشهد). مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۰(۱)، ۹-۳۷.
- (۱۳) قلی‌پور فیروزجایی، مریم؛ جهانگیر، پانته‌آ؛ دوکانه‌ای فرد، فریده (۱۴۰۱). مقایسه اثربخشی واقعیت‌درمانی و معنادرمانی بر مؤلفه‌های بهزیستی ذهنی زنان متقاضی طلاق آسیب‌دیده از خیانت زناشویی. رویش روان‌شناسی، ۷۶، ۱۲۱-۱۳۲.

۱۴) کریم پوروظیفه خورانی، علیرضا؛ بخشی پروردسری، عباس؛ ریحانی مهر، کیومرث؛ کمالی قاسم آبادی، حسین؛ نوروزی، حسین؛ عباسی اصل، مجتبی (۱۳۹۶). مقایسه سیستم های مغزی رفتاری در زوجین درگیر در خیانت زناشویی و زوجین عادی در شهرهای تبریز، تهران و کرج. تصویر سلامت، ۸(۲)، ۱۰۳-۹۷.

۱۵) کریمی، سارا؛ یوسفی، رحیم؛ سلیمانی، مهران (۱۳۹۷). روسازی پرسشنامه خیانت زناشویی. روان‌شناسی بالینی و شخصیت، ۱۵، ۳۲-۴۵.

۱۶) گل پرور، محسن؛ رحیمی، فیض الله؛ آتش پور، حمید (۱۳۹۸). پیش‌بینی تمایل به طلاق بر اساس باورهای فردی شخصیت، نیازهای اساسی و تله‌های زندگی. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۷۶، ۱۳-۲۳.

۱۷) محمدی، نورالله (۱۳۸۷). ویژگی‌های روانسنجی مقیاس‌های سیستم بازداری و فعال‌سازی رفتار. دانشور رفتار دانشگاه شاهد، ۲۸، ۷۶-۹۰.

۱۸) ملک عسگر، سعاده؛ مظاهری، محمدعلی؛ فتی، لادن؛ موتابی، فرشته؛ حیدری، محمود (۱۳۹۹). دیدگاه طرح‌واره درمانگران نسبت به نقش مولفه‌های طرح‌واره‌ای در سبب‌شناسی خیانت زناشویی: یک مطالعه کیفی. خانواده پژوهی، ۱۶(۲)، ۲۱۶-۱۹۹.

۱۹) هاشمی‌نژاد، سمیه (۱۳۹۹). نقش طرحواره‌های ناسازگار اولیه و صفات تاریک شخصیت در پیش‌بینی استعداد خیانت زناشویی. دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، ۳(۳۱)، ۸۴-۹۳.

۲۰) یانگ، جفری؛ کلسکو، ژانت (۱۹۹۳). زندگی خود را دوباره بیافرینید. ترجمه حسن حمیدپور، الناز پیرمرادی و ناهید گلی زاده (۱۴۰۱). تهران: انتشارات ارجمند.

- 21) Alimoradi, B., & Nejat, H. (2019). Behavioral Brain Systems Activation With Postpartum Bl ue: According to Revised Reinforcement Sensitivity Theory. *Journal Of Nursing And Midwifery Sciences*, 6(1), 27.
- 22) Abolhasani, S., Shiroudi, S. G., & Bahri, M. Z. (2023). The effectiveness of integrated systemic couple therapy on marital differentiation and marital burnout of couples affected by extramarital affairs. *Applied Family Therapy Journal (AFTJ)*, 4(2), 546-561.
- 23) Akbari, H., Besharat, M. A., Ghorban Jahromi, R., & Shahabi, R. (2023). Structural model for predicting marital satisfaction in young couples based on behavioral activation/inhibition systems; the mediating role of attachment styles. *Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry*, 10(5), 118-131.
- 24) Carver, C. S., & White, T. L. (1994). Behavioral Inhibition, Behavioral Activation And Affective Responses To Impending Reward And Punishment: The BIS/BAS Scales. *Journal Of Personality And Social Psychology*, 67 (11): 319-333.
- 25) Espinoza Oyarce, D. A., Burns, R. A., Shaw, M. E., Butterworth, P., & Cherbuin, N. (2024). Neural correlates of the revised reinforcement sensitivity theory: A cross-sectional structural neuroimaging study in middle-aged adults. *Psychophysiology*, e14574.
- 26) Fekoor, M., Khodami, A., & Piltan, F. (2024). Sociological Investigation of Factors Influencing Extramarital Relationships in Couples from Bandar Abbas. *Journal of Assessment and Research in Applied Counseling (JARAC)*, 6(1), 34-44.
- 27) Ho Cho, S, Man Kwon, S, J, (2006), Factor Structure and Internal Consistency of The Young Schema Questionnaire (Short Form) In Korean and Australian Samples. *Journal Of Affective Disorders*, 93, 1-3, 133- 140.
- 28) Jensen, M. P., Ehde, D. M., & Day, M. A. (2016). The Behavioral Activation And Inhibition Systems: Implications For Understanding And Treating Chronic Pain. *The Journal Of Pain*, 17(5), 529-535.
- 29) Kheiripour, F., Bahrami Hidaji, M., Mohammadi shirmahaleh, F., Rafezi, Z., & Asgharpour, M. (2024). Developing an Emotion Regulation Training Protocol and Examining Its Effectiveness on Internet Addiction among Female Students. *Journal of Adolescent and Youth Psychological Studies (JAYPS)*, 5(2), 84-93.
- 30) Kline, Rex. (2013). Exploratory And Coni.rmatory Factor Analysis. □ Retrieved From www.psychology.com/cordia.ca/fac/kline/library. ISBN: 9780203108550

- 31) Li, S., Wang, X., Wang, P. et al. Correlation of exercise participation, behavioral inhibition and activation systems, and depressive symptoms in college students. *Sci Rep* 13, 16460 (2023).
- 32) Waller, G., Meyer, C., & Hanian, V. (2001). Psychometric properties of the long & short versions of the young schema questionnaire. *Cognitive Therapy and Research*, 25(2): 137-147.
- 33) Whatley, M. (2006). *Attitudes toward Infidelity Scale*, Department of Psychology. Valdosta State University

